

مفقود و احکام آن در فقه حنفی و فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالى و رعاه)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۴/۱۷ هـ.ش

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۲/۶ هـ.ش

نامزدپوهنیار حفیظ الله حیدری^۱

چکیده

تحقیق حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش بنیادین است که مفهوم «مفقود» در فقه اسلامی چیست و احکام و آثار فقهی مترتب بر آن در مکتب فقهی حنفی و نیز در فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالى) چگونه تبیین و تدوین شده است؟ مفقود به شخصی اطلاق می‌شود که مرگ و حیات وی معلوم نبوده و آگاهی از احکام مربوط به میراث وی پس از صدور حکم وفات، همچنین بقای زوجیت همسرش و مدتی که قاضی برای صدور حکم وفات در نظر می‌گیرد، از ضروریات فقهی و قضایی به‌شمار می‌رود. این تحقیق با تکیه بر منابع معتبر فقهی و با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی-تحلیلی، ابتدا به تبیین ماهیت مفقود پرداخته و سپس احکام و ظرایف فقهی آن را از متون اصیل استخراج و مورد تحلیل قرار داده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مباحث مطروحه به‌ویژه در زمینه اموال مفقود، وضعیت زوج و مدت زمان صدور حکم وفات، از اهمیت ویژه‌ای برای عموم مردم و به‌ویژه قضات محاکم اسلامی برخوردار است و می‌تواند مبنای صدور احکام شرعی و قضایی قرار گیرد. از آن‌جا که در جامعه اسلامی افغانستان، به‌دلیل سال‌ها جنگ و ناامنی، شمار قابل توجهی از افراد مفقود شده‌اند و خانواده‌های آنان در سرگردانی و انتظار به‌سر می‌برند، تبیین دقیق احکام شرعی در این زمینه، از ضرورت‌های انکارناپذیر است.

کلمات کلیدی: زوج، مفقود، فقه حنفی، فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالى)، مال و میراث.

۱ عضو کادر علمی برنامه فقه و قانون پوهنچى شرعیات، پوهنتون غور: Hafizullah.h528@gmail.com

۱. مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِهِ الْأَمِينِ، وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ، وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

مفقود شدن افراد در جوامع بشری، به ویژه در شرایط جنگ‌ها، بلایای طبیعی و ناآرامی‌ها، همواره یکی از معضلات اجتماعی و حقوقی بوده است. از آنجا که سرنوشت این اشخاص از حیث زندگی یا مرگ در ابهام می‌ماند، نظام حقوقی اسلام برای رفع این ابهام و تعیین تکلیف اموال، زوجیت و سایر حقوق مرتبط با آنان، احکام دقیق و مدوّتی ارائه داده است. در فقه اسلامی، به ویژه در مذهب حنفی، موضوع «مفقود» جایگاه ویژه‌ای دارد و فقهای این مذهب با نگاه ژرف‌نگرانه خود، ابعاد گوناگون این مسئله را از جنبه‌های فقهی، قضایی و اجتماعی بررسی کرده‌اند. افزون بر این، فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالى) به عنوان راهنما و ضابطه‌ای عملی برای قضات و مفتیان، نقش بسزایی در شفاف‌سازی احکام این حوزه ایفا کرده است.

با عنایت به اینکه در جامعه اسلامی افغانستان، جنگ‌های طولانی و مهاجرت‌های پیوسته، به مفقود شدن جمعیت قابل توجهی از شهروندان انجامیده و خانواده‌های ایشان را در وضعیتی از ابهام، سرگردانی و انتظار ممتد قرار داده است، تبیین دقیق و مستند احکام شرعی مربوط به مفقود، از ضرورت‌های بنیادین و غیرقابل چشم‌پوشی فقهی، قضایی و اجتماعی محسوب می‌گردد.

این مقاله با هدف بررسی همه‌جانبه مفهوم، انواع، مدت حکم به فوت، احکام مالی، میراث و وضعیت زوجیت مفقود در فقه حنفی و نیز تطبیق آن با فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالى) نگاشته شده است. در این تحقیق ابتدا با مراجعه به منابع اصلی و معتبر فقه حنفی مانند المبسوط، الهدایه، الاختیار و الفتاوی الهندیة، اقوال فقها استخراج و بررسی شده است. سپس این اقوال همراه با فرامین صادره از سوی امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالى) تحلیل گردیده است. ساختار مقاله به گونه‌ای سامان یافته که پس از تعریف مفقود و بیان انواع آن، مدت حکم به فوت، احکام اموال، وضعیت زوجه و میراث مفقود به تفصیل مورد بحث قرار گرفته و در پایان، نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه شده است.

۱-۱. بیان مسئله: موضوع احکام مفقود در فقه حنفی از مباحث گسترده و بنیادین به‌شمار می‌رود که فقهای این مذهب آراء و نظریات متعددی درباره ابعاد گوناگون آن، از جمله تعریف مفقود، مدت زمان لازم برای صدور حکم فوت، سرنوشت اموال و نیز وضعیت زوجیت و ازدواج مجدد زوجه مفقود، ارائه داده‌اند. این تحقیق درصدد تبیین و تبیین این آراء و نظریات بر مبنای منابع معتبر فقه حنفی و نیز فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) است، تا قضات محاکم شرعی بتوانند احکام خود را مطابق با قول راجح علمای احناف و هدایت‌های رهبری معظم صادر نمایند.

ضرورت انجام این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که در جامعه اسلامی افغانستان، به‌ویژه پس از دهه‌ها جنگ و ناامنی، شمار قابل توجهی از افراد مفقود شده‌اند و هنوز از مرگ یا حیات آنان اطلاع دقیقی در دست نیست. این امر نه تنها خانواده‌های ایشان را با سرگردانی و ابهام حقوقی مواجه ساخته؛ بلکه نظام قضایی کشور را نیز با چالش جدی در صدور آرای شرعی مستند و معیار مواجه کرده است. از سوی دیگر، فقدان یک منبع جامع و مدون که احکام مفقود را به‌صورت کامل و بر مبنای فقه حنفی و فرامین رهبری معظم امارت اسلامی افغانستان تشریح کرده باشد، بر ضرورت این تحقیق می‌افزاید. بنابراین، تحقیق حاضر در صدد است تا با تکیه بر منابع اصیل فقهی و هدایت‌های رهبری، این خلأ علمی و عملی را مرتفع ساخته و راهگشای قضات، مفتیان و عموم مردم در این مسئله مهم به جامعه باشد.

۲-۱. سؤالات تحقیق

سؤال اصلی: احکام مفقود در فقه حنفی فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) چیست؟
 سؤالات فرعی: (۱) مفقود در فقه حنفی و فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) به چه شخص گفته می‌شود؟ (۲) مدتی که حکم به فوت مفقود می‌گردد در فقه حنفی و فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) چقدر است؟ (۳) زمانی که حکم به فوت مفقود گردیده چه احکام بر اموال و زوجه مفقود در فقه حنفی و فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) مرتب می‌گردد؟

۳-۱. فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی: احکام مفقود در فقه حنفی و فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) از وضوح و انسجام قابل توجهی برخوردار است؛ به گونه‌ای که در موارد کلیدی همچون مدت زمان لازم برای صدور حکم فوت مفقود، تکلیف اموال وی و نیز سرنوشت زوجه‌اش از حیث امکان یا امتناع ازدواج مجدد، ضوابط روشنی ارائه گردیده است که می‌تواند راهگشای قضات و عموم مردم باشد.

فرضیه‌های فرعی: بر اساس یافته‌های مقدماتی، فرضیه‌های فرعی این تحقیق بدین شرح قابل طرح است: (۱) مفقود در فقه حنفی و فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) به شخصی اطلاق می‌شود که از خانواده و سرپرستان خود ناپدید گردیده، مرگ یا زندگی‌اش معلوم نبوده، مکان وی نامعلوم است و مدت زمانی طولانی بر غیبت وی گذشته است که عرفاً و شرعاً دلالت بر مرگ او دارد؛ (۲) در نزد فقهای حنفی، قاضی پس از گذشت هفتاد سال از عمر مفقود - بنابر قول راجح - می‌تواند حکم به فوت وی صادر نماید و تا پیش از آن، اموال مفقود قابل تقسیم و به‌ارث‌برده نیست. (۳) زوجه مفقود تنها در صورتی مجاز به ازدواج مجدد خواهد بود که قاضی حکم به فوت همسرش صادر کرده باشد و وی عده وفات (چهار ماه و ده روز) را به پایان رسانده باشد. (۴) در صورتی که مفقود پس از ازدواج مجدد زوجه و تقسیم اموال، پیدا گردد، زن مزبور همچنان در نکاح شوهر اول باقی می‌ماند؛ چه با شخص دیگری ازدواج کرده باشد یا نه و چه شوهر ثانی با وی همبستری نموده باشد یا نه - در تمامی این حالات، زن متعلق به زوج اول خواهد بود.

۴-۱. اهمیت تحقیق: بی‌گمان، آگاهی از هر یک از احکام شریعت اسلامی برای همگان ضرورتی انکارناپذیر است و هر مسلمانی باید در شناخت احکام فقهی مورد ابتلا، کوشا باشد. در این میان، شناخت حکم صحیح و معیار مفقود، هرچند برای عموم مسلمانان حائز اهمیت است، اما برای قضات و مفتیان محاکم شرعی از اولویت و ضرورت دوچندان برخوردار می‌باشد؛ چراکه ایشان مراجع فتوی و صدور حکم در جامعه اسلامی به شمار می‌روند و وظیفه خطیر پاسخ‌گویی به مسائل شرعی مردم بر عهده آنان است. ازاین رو، تسلط بر حکم دقیق و قول راجح فقهای حنفی در مسئله مفقود، آنان را در ارائه فتوی و رأی قضایی منطبق با موازین شرعی یاری می‌رساند.

این مقاله می‌کوشد تا علاوه بر رفع نیاز علمی محققان و محصلان، منبعی کاربردی برای قضات محاکم شرعی و مفتیان فراهم آورد تا بتوانند بر اساس آن، آرای قضایی و فتوای خود را صادر نمایند.

۵-۱. اهداف تحقیق

۵-۱-۱. هدف اصلی تحقیق: هدف تحقیق، تبیین و تحلیل آراء فقهای حنفی پیرامون احکام مفقود است و در کنار آن، تلاش می‌شود تا فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) در این زمینه، بیان گردد. غایت نهایی این تحقیق آن است که جامعه اسلامی افغانستان، از احکام دقیق و صحیح مفقود آگاه شوند و بتوانند در مسائل شرعی مبتلا به خود، با بصیرت و اطمینان بیشتری گام بردارند.

۵-۱-۲. اهداف فرعی تحقیق: ۱) تعریف و شناسایی دقیق مفهوم مفقود بر اساس منابع معتبر فقه حنفی و فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی)؛ ۲) آگاهی از مدت زمانی که بر اساس آن، فقهای حنفی و امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) حکم به فوت مفقود صادر نموده‌اند؛ ۳) شناخت احکام شرعی مترتب بر فوت مفقود - اعم از احکام مربوط به اموال، میراث و زوجیت - پس از صدور حکم فوت، مطابق با فقه حنفی و فرامین رهبری امارت اسلامی افغانستان.

۲. پیشینه تحقیق

پس از جستجو در منابع داخلی، اثر مستقلی که به طور اختصاصی به موضوع مفقود و احکام آن در فقه حنفی و فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) پرداخته باشد، یافت نشد. با این حال، چندین اثر علمی به زبان عربی در این زمینه وجود دارد که هر یک با رویکردی عام به موضوع نگریسته‌اند:

۱. کتاب «أحكام المفقود في الشريعة الإسلامية»، تألیف یوسف عطامحمد حلو، منتشرشده در سال ۱۴۲۴ هجری قمری، به بررسی احکام مفقود به صورت عام در فقه اسلامی پرداخته، اما کاستی آن در عدم بررسی همه جانبه و دقیق هر مذهب به طور جداگانه است؛ حال آنکه تحقیق حاضر با رویکردی تخصصی تر، مسائل مفقود را در مذهب حنفی مورد کنکاش قرار داده است.

٢. رساله «أحكام الغائب و المفقود في الفقه الإسلامي»، از عبدالمنعم فارس سقا که به عنوان رساله ماستری در پوهنتون دمشق در سال ٢٠٠٤ میلادی نگاشته شده است. این اثر نیز احکام مفقود و غایب را به صورت کلی بررسی کرده و به ترجیح آراء فقهای مذاهب چهارگانه بر یکدیگر پرداخته است؛ بدون آن که به طور تخصصی بر مذهب خاصی متمرکز شود.

٣. مقاله ای «الأحكام المتعلقة بالمفقود» (دراسة فقهية)، از آمینه مسعد مساعد الحری، منتشر شده در شماره ٥٥ مجله الأكاديمية للأبحاث والنشر العلمي، در ٢٠٢٣ میلادی نیز به موضوعات مدت حکم فوت و سرنوشت زوجة مفقود از دیدگاه مذاهب اربعه پرداخته است؛ اما تحقیق حاضر از این جهت متمایز است که تمامی مسائل مرتبط با اموال، زوجة، مدت حکم فوت و نیز حکم بازگشت مفقود را در چارچوب مذهب حنفی به شکل جامع بررسی نموده است.

علاوه بر این، در کتب فقهی معتبر، مباحث مربوط به مفقود به صورت پراکنده و در قالب فصول یا ابواب جداگانه مطرح شده است. اما ویژگی تحقیق حاضر آن است که با رویکردی نوین، موضوع مفقود را در مذهب حنفی و در پرتو فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالى) مورد بررسی قرار داده و برای نخستین بار، میان آراء فقهای حنفی و هدایت های رهبری امارت اسلامی افغانستان در این زمینه، مطالعه روشنی به عمل آورده است.

٣. روش تحقیق

روش این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و شیوة گردآوری اطلاعات بر اساس مراجعه به منابع کتابخانه ای، استفاده از نرم افزارهای معتبر علمی همچون «مکتبة شاملة» و نیز بررسی فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالى) صورت گرفته است. بدین ترتیب که ابتدا با مطالعه کتب اصلی و معتبر فقه حنفی، احکام مربوط به مفقود استخراج و توصیف گردیده و سپس با رویکردی تحلیلی، میان آراء فقهای حنفی و مضامین فرامین رهبری امارت اسلامی افغانستان، مقایسه و تطبیق انجام شده است تا در نهایت، تصویری روشن و مستند از احکام شرعی این حوزه ارائه گردد.

۴. مبانی مفهومی

۴-۱. مفهومی مفقود

مفقود در لغت به معنای «معدوم» (ناپدید) آمده است. گفته می‌شود: «فقدت الشيء إذا طلبته فلم تجد»؛ یعنی هرگاه چیزی را جستجو کردی اما نیافتی، آن را «مفقود» گویند (التهانوی، ۱۹۹۶م: ج ۲، ص ۱۶۱۷). مؤید این معنا، کاربرد قرآنی آن است که خداوند تبارک و تعالی ﷻ در داستان حضرت یوسف (علیه السلام) می‌فرماید: «قَالُوا نَفَقْدُ صَوَاعَ الْمَلِكِ» (یوسف: ۷۲)؛ یعنی: «گفتند: پیمانه شاه را گم کرده‌ایم و نیافتیم».

۴-۲. تعریف اصطلاحی در فقه حنفی

فقه‌های مذهب حنفی برای مفقود تعاریف متعددی ارائه داده‌اند که در اینجا به چند نمونه از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۴-۲-۱. **تعریف امام موصلی** (رحمه الله): ایشان در کتاب *الاختیار لتعلیل المختار* می‌فرماید: «الذي غاب عن أهله وبلده أو أسره العدو ولم يدر أحي هو أم ميت، ولا يعلم له مكان ومضى على ذلك زمان فهو معدوم بهذا الاعتبار» (الموصلي، ۱۳۵۶ هـ: ج ۳، ص ۳۷). یعنی: «مفقود کسی است که از خانواده و شهر خود غایب شده، یا دشمن او را اسیر کرده است؛ نه دانسته می‌شود که زنده است یا مرده و نه مکان او معلوم است؛ و مدتی نیز بر این وضعیت گذشته باشد، در نتیجه به این اعتبار معدوم و مفقود محسوب می‌گردد».

۴-۲-۲. **تعریف امام سرخسی** (رحمه الله): ایشان در کتاب *المبسوط* چنین آورده است: «المفقود اسم لموجود هو حي باعتبار أول حاله و لكنه خفي الأثر كالميت باعتبار مآله، وأهله في طلبه يجدون، ولخفاء أثر مستقره لا يجدون قد انقطع عليهم خبره واستتر عليهم أثره، وبالجد ربما يصلون إلى المراتد وربما يتأخر اللقاء إلى يوم التئاد» (السرخسي، ۱۴۱۴ هـ: ج ۶، ص ۱۵۳). ترجمه: «مفقود، نامی است برای موجودی که به اعتبار حال نخستین خود زنده است، اما اثر او پنهان گشته و به اعتبار آینده‌اش همچون مرده به‌شمار می‌آید؛ خانواده‌اش در جستجوی او هستند، اما به سبب پنهان شدن نشانه‌هایش، او را نمی‌یابند و خبرش از آنان قطع شده است؛ گاهی با تلاش بسیار به مقصود می‌رسند و گاهی دیدارشان تا روز قیامت به تأخیر می‌افتد».

۴-۲-۳. تعریف امام مرغینانی^(رحمه الله): ایشان در الهدایة فی شرح بدایة المبتدی می نویسد: «إذا غاب الرجل فلم يعرف له موضع ولا يعلم أحی هو أم میت نصب القاضی من یحفظ ماله ویقوم علیه ویستوفی حقه» (المرغینانی، بی تا: ج ۲، ص ۴۲۳). یعنی: «هرگاه شخصی غایب شد و مکانش معلوم نگردید و دانسته نشد که زنده است یا مرده، قاضی باید کسی را برای حفظ اموال او بگمارد تا از مالش نگهداری کرده و حقوق او را دریافت دارد».

با تأمل در مجموع تعاریف فوق، چنین برمی آید که مفقود به شخصی اطلاق می شود که از خانه و شهر خود غایب شده، مکانش مشخص نباشد، با وجود جستجو معلوم نگردد که زنده است یا مرده و مدت زمان قابل توجهی نیز بر غیبت او گذشته باشد؛ برخی از فقها حتی تصریح کرده اند که ممکن است تا روز قیامت یافت نشود. همچنین امام موصلی^(رحمه الله) اسیرشدن توسط دشمن را نیز از مصادیق مفقودیت برشمرده است. با دقت در تعاریف ارائه شده از سوی فقهای حنفی، به نظر می رسد که تعریف امام موصلی^(رحمه الله) در الاختیار از جامعیت و شمول بیشتری برخوردار است؛ زیرا در آن، هم به غیبت از خانواده و شهر، هم به اسارت، هم به ابهام در حیات یا ممات، هم به ناشناختگی مکان و هم به گذشت زمان تصریح شده است.

۴-۲-۴. موضع فرامین امیرالمؤمنین^(حفظه الله تعالی): در فرمان شماره (۴۳) جلد ۵، مورخ ۱۴۴۱/۴/۱۰ هجری قمری، امیرالمؤمنین شیخ هبة الله^(حفظه الله تعالی) تعریف مستقلی برای مفقود ذکر ننموده اند؛ اما از سیاق فرمان چنین برمی آید که ایشان بر همان تعریف مورد اتفاق فقهای حنفی تکیه داشته و به آن اکتفا کرده اند. با این حال، در فرمان مزبور، هدایت های تکمیلی در خصوص مدت زمان و برخی مسائل دیگر ارائه شده که در جای خود به تفصیل بدان ها پرداخته خواهد شد.

۵. مدت زمان صدور حکم به فوت مفقود

۵-۱. اقوال فقهای احناف

در خصوص مدتی که قاضی می تواند پس از آن حکم به فوت مفقود صادر نماید، میان فقهای مذهب حنفی اختلاف نظر وجود دارد که در ادامه به طور خلاصه به مهم ترین اقوال اشاره می شود:

قول حسن بن زیاد^(رحمه الله) از امام ابوحنیفه^(رحمه الله) روایت کرده که حضرت امام فرمودند: «هرگاه یکصد و بیست سال از تولد شخص بگذرد، قاضی می‌تواند حکم به موت وی نماید(السرخی، ۱۴۱۴ هـ: ج ۱۱، ص ۳۵).

امام ابویوسف قاضی^(رحمه الله) معتقدند که وقتی عمر مفقود از زمان تولد تا یکصد سالگی تکمیل شود، حکم به فوت وی صادر می‌گردد؛ زیرا در زمان ما اکثر مردم بیش از صد سال عمر نمی‌کنند(السرخی، ۱۴۱۴ هـ: ج ۱۱، ص ۳۵).

قول صاحب فتح/القدیر: در این کتاب آمده است که برای رعایت حال مفقود، نود سال از تولد او تعیین می‌شود. سپس مؤلف می‌گوید: «نظر من این است که شصت سال تعیین گردد؛ زیرا در این زمان بیشتر مردم میان شصت تا هفتاد سال عمر می‌کنند و از پیامبر اکرم ﷺ روایت است که فرمودند: «أَعْمَارُ أُمَّتِي مَا بَيْنَ السَّيِّئِ إِلَى السَّيِّئِ»؛ «یعنی سن امت من میان شصت تا هفتاد سال است(البستی، ۱۴۱۴ هـ: ج ۷، ص ۲۴۷).

با بررسی اقوال فقهای حنفی^(رحمهم الله)، چنین به نظر می‌رسد که مدت معینی برای صدور حکم فوت به صورت قطعی تعیین نشده است؛ بلکه قول راجح و مختار در نزد احناف، چنانکه در الفتاوی الهندیة بدان تصریح شده، این است که حکم به موت مفقود به رأی و نظر امام (حاکم) واگذار گردیده است. در مذهب سادتنا الحنفیه، هرگاه شخص در مکان‌های جنگ و مظان هلاکت باشد و مدت طولانی بر غیبت او گذشته باشد به گونه‌ای که گمان غالب بر فوت وی شکل گیرد، در این صورت قاضی مجاز است حکم به فوت مفقود صادر نماید(الشیخ نظام، ۱۴۱۱ هـ: ج ۲، ص ۳۰۰).

(حفظه الله تعالی)

۵-۲. موضع فرامین امیرالمؤمنین

در فرامین رهبری امارت اسلامی افغانستان نیز این مسئله به صراحت مطرح شده است. برای نمونه، در فرمان شماره (۴۳) چنین آمده است: «هرگاه مفقود از جمله مفقودین در جنگ‌ها و مظان هلاکت باشد، محکمه مطابق با قول علمای احناف که قرائن مرگ وی آشکار باشد و چنان مدت طولانی گذشته باشد که گمان غالب قاضی بر مرگ او شکل گیرد، حکم به فوت مفقود صادر می‌نماید»(فرامین و احکام، ۱۴۴۱/۴/۱۰ هـ.ق: ج ۵، ش ۴۳).

لازم به ذکر است که این فرمان نیز مدت مشخصی را تعیین نکرده است؛ زیرا در فقه حنفی نیز مدت معینی وجود ندارد و میان فقها اختلاف نظر است. به جای آن،

امیرالمؤمنین (حفظه الله) تشخیص زمان مناسب را به رأی و نظر قضات محول کرده و شرط گذاشته است که گمان غالب بر مرگ دلالت کند و مفقود در حروب و مظان هلاکت باشد. همچنین در انتهای فرمان تصریح گردیده که قاضی تنها زمانی می تواند حکم به فوت صادر نماید که مراحل زیر را طی کند: پرونده را به اداره عالی محاکم شرعی ارسال نماید و پس از تأیید اداره عالی، فیصله به رهبری امارت اسلامی ارجاع گردد و پس از تأیید نهایی رهبری، حکم نافذ شود (فرامین و احکام، ۱۴۴۱/۴/۱۰ هـ.ق: ج ۵، ش ۴۳).

از مجموع اقوال فقهای حنفی (رحمهم الله) و فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) چنین برمی آید که مدت مشخص و معینی برای صدور حکم فوت مفقود تعیین نشده است؛ بلکه این امر به نظر و اجتهاد قاضی واگذار گردیده و تشخیص آن بر اساس قرائن، گمان غالب، و شرایط خاص هر پرونده صورت می پذیرد.

۶. احکام متعلق به مال مفقود

در شریعت اسلامی، انتقال اموال از شخصی به شخص دیگر جز از طریق اسباب شرعی همچون بیع، اجاره، هبه، میراث و مانند آن امکان پذیر نیست. از آنجا که مفقود شخصی است که مرگ وی به طور قطعی ثابت نشده، اموال او قابل توارث نبوده و تا زمانی که حکم فوت وی صادر نگردد، از دایره میراث خارج می باشد. در کتاب قواعد الأحکام فی مصالح الأنام چنین آمده است: «وقد حرم الله أخذ الأموال إلا بأسباب نصبها، ولا يجوز أخذ شيء منها إلا بحقه ولا صرفه إلا لمستحقه» (السلمی، بی تا: ج ۱، ص ۲۵۱). یعنی: «خداوند متعال جلّ جلاله، گرفتن اموال مردم را جز از طریق اسباب مشروع حرام گردانیده است؛ و هیچ مالی را جز به حق نمی توان گرفت و جز به مستحق نمی توان مصرف کرد. این قاعده به صراحت بیانگر آن است که تصرف در اموال مفقود بدون سبب شرعی جایز نیست».

فقهای احناف همواره بر قاعده ای مهم تأکید داشته اند که می فرمایند: «المفقود حی فی حق نفسه و میت فی حق غیره». یعنی: «مفقود در حق خود - که عبارت از اموال وی است - زنده محسوب می شود؛ از این رو تا زمانی که مرگ او معلوم نگردد، مالش تقسیم نمی شود و زوجه اش نمی تواند ازدواج نماید. اما در حق دیگران، او همچون مرده به شمار می آید؛ بدین معنا که اگر یکی از اقوام او فوت کند، مفقود از وی ارث نمی برد (الموصلی، ۱۳۵۶ هـ: ج ۳، ص ۴۱).

۶-۱. وظیفه قاضی در حفظ اموال مفقود

شریعت اسلامی بر عهده قاضی نهاده است که از اموال شخص مفقود محافظت نماید. در این خصوص، امام محمد ^(رحمه الله) فرموده است: «اموالی که در معرض فساد و تلف سریع قرار دارند، قاضی باید آن‌ها را به فروش برساند؛ اما اموالی که تخریب آن‌ها احساس نمی‌شود، قاضی از آن‌ها نگهداری می‌کند. همچنین در صورت نیاز ورثه به خوراک و مسکن، می‌توانند از اموال مفقود استفاده نمایند». اما درباره اموال و اراضی مفقود، امام محمد ^(رحمه الله) تصریح کرده است که هیچ‌کس - حتی پدر - نمی‌تواند زمین‌های شخص مفقود را به جهت نفقه به فروش برساند (ابن‌مازه، ۱۴۲۴ هـ.ج ۵، ص ۴۵۶-۴۵۸).

۶-۲. فروش اموال منقول مفقود

امام محمد و امام ابویوسف ^(رحمهما الله) بر این نظرند که ورثه نمی‌توانند اموال منقول مفقود را بدون حق به فروش برسانند؛ اما پدر می‌تواند اموال منقول پسر مفقود خود را به صورت قیاسی به فروش رساند. در مقابل، امام ابوحنیفه ^(رحمه الله) معتقد است که پدر می‌تواند اموال منقول پسر مفقود خود را به صورت استحصانی به فروش برساند (ابن‌مازه، ۱۴۲۴ هـ.ج ۵، ص ۴۵۶-۴۵۸).

۶-۳. صلاحیت قاضی در فروش اموال مفقود

فقه‌های احناف تصریح کرده‌اند که قاضی، صلاحیت حفظ اموال مفقود را دارد و به‌طور کلی نمی‌تواند اموال وی را به فروش برساند؛ مگر در صورتی که دینی بر ذمه مفقود ثابت شود که در این صورت، قاضی مجاز است اموال او را به فروش رسانده و قرض وی را اداء نماید (ابن‌مازه، ۱۴۲۴ هـ.ج ۵، ص ۴۵۶-۴۵۸).

۷. احکام متعلق به زوجه مفقود

در شریعت اسلامی، فقدان و غیبت شخص، تأثیری بر استواری عقد نکاح ندارد. ازاین‌رو، زوجه مفقود تا زمانی که حکم فوت همسرش صادر نشده، در نکاح وی باقی می‌ماند و به‌اتفاق همه فقها، مستحق دریافت نفقه از اموال شوهر مفقود خویش می‌باشد. همچنین شوهر، صلاحیت طلاق، ظهار و ایلاء را نسبت به همسر خود دارد و تا زمانی که قاضی حکم به فوت مفقود صادر نکرده باشد، زوجین از یکدیگر ارث می‌برند (الموسوعة الفقهية الكويتية، بی تا: ج ۴۰، ص ۲۶۹).

۷-۱. مدت انتظار زوجه مفقود

در خصوص مدت زمانی که زوجه مفقود باید صبر نماید، از رسول الله ﷺ روایت شده است که فرمودند: «امراة المفقود امرأته حتى يأتيها الخبر» (الدارقطني، ۱۳۸۶ هـ ج ۳، ص ۳۱۲). یعنی: «زن شخص مفقود، تا زمانی که خبر (زندگی یا مرگ) او به دست آید، در قید نکاح وی باقی است».

حضرت علی رضی الله عنه نیز در تفسیر این حدیث فرموده‌اند: «امراة المفقود امرأة ابتليت فلتصبر حتى يأتيها يقين موته» (البيهقي، ۱۳۴۴ هـ ج ۶، ص ۱۵۸). یعنی: «زن شخص مفقود، زنی است که مبتلا گردیده است؛ پس باید صبر و شکیبایی کند تا اینکه مرگ شوهرش به یقین ثابت گردد».

۷-۱-۱. اقوال صحابه و تابعین

گروهی از صحابه و تابعین (رضی الله عنهم) قول حضرت علی رضی الله عنه را اختیار کرده‌اند که از جمله آنان می‌توان به: ابن مسعود، نخعی، ابوقلابه، شعبی، جابر بن زید، حکم، حماد، ابن ابی لیلی، ابن شبرمه، عثمان البتی، سفیان ثوری و حسن بن حی اشاره کرد. همچنین از میان فقها، سادتنا الحنفیه و شافعیه در مذهب جدید، به قول حضرت علی رضی الله عنه عمل نموده‌اند (العثیمین، ۱۴۲۷ هـ ج ۵، ص ۱۲۹).

۷-۱-۲. قول حضرت عمر رضی الله عنه

در مقابل، حضرت عمر رضی الله عنه در مورد زوجه مفقود فرموده‌اند: «تربص أربع سنين، ثم تعتد أربعة أشهر وعشراً» (العثیمین، ۱۴۲۷ هـ ج ۵، ص ۱۲۹). یعنی: زوجه مفقود چهار سال صبر نماید، سپس عده وفات (چهار ماه و ده روز) را بگذراند و پس از آن می‌تواند ازدواج نماید.

از صحابه‌ای که قول حضرت عمر رضی الله عنه را برگزیدند، می‌توان به حضرت عثمان رضی الله عنه، ابن عمر رضی الله عنه، ابن عباس رضی الله عنه و ابن زبیر رضی الله عنه اشاره کرد. همچنین قول قدیم امام شافعی (رحمه الله) نیز بر همین مبناست. سعید بن مسیب در مورد مفقودی که در غیر میدان جنگ ناپدید شده باشد، به همین نظر معتقد است. مالکیه نیز در مورد مفقودی که در بلاد اسلامی مفقود گردیده، می‌گویند: زن وی چهار سال صبر کرده و سپس عده بشمارد و از همسر خود جدا گردد. حنابله نیز در مورد مفقودی که ظاهر حالش دلالت بر مرگ دارد، پس از

چهار سال حکم به عده وفات داده و اجازه ازدواج مجدد می‌دهند (الموسوعة الفقهية، بی‌تا: ج ۴۰، ص ۲۷۲).

اما صاحب کتاب الجوهرة النيرة تصریح کرده است که حضرت عمر رضی الله عنه از قول خود رجوع نموده و به قول حضرت علی رضی الله عنه توافق کرده است (الحدادی، ۱۳۲۲ هـ: ج ۱، ص ۳۶۰).

(حفظه الله تعالى)

۷-۱-۳. موضع فرامین امیرالمؤمنین

در فرمان شماره (۴۳) جلد ۵، امیرالمؤمنین (حفظه الله) به صراحت تصریح نموده‌اند که پس از صدور حکم فوت مفقود از سوی محکمه و تأیید مقام رهبری، قاضی به زوجه مفقود دستور دهد که عده وفات (چهار ماه و ده روز) را سپری نماید و پس از اتمام عده، می‌تواند اقدام به ازدواج مجدد نماید.

از مجموع اقوال فقهای احناف و فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالى) چنین برمی‌آید که تا زمانی که از سوی قاضی محکمه اسلامی حکم به فوت مفقود صادر نگردیده باشد، رابطه زوجیت برقرار است؛ شوهر صلاحیت طلاق و ظهار را دارد و زوجه نیز می‌تواند از اموال مفقود نفقه دریافت نماید. هرچند قولی از حضرت عمر رضی الله عنه مبنی بر چهار سال انتظار وجود دارد، اما بنا به تصریح الجوهرة النيرة، ایشان از این قول رجوع نموده و به قول حضرت علی رضی الله عنه پیوسته است.

۷-۲. پاسخ به شبهه: آیا این حکم ظلم بر زوجه نیست؟

در این جا این پرسش مطرح می‌شود که اگر زوجه مفقود نتواند مدت طولانی صبر کند، آیا این حکم بر او ظلم محسوب نمی‌شود؛ به‌ویژه آنکه زوجه شخص عنین (ناتوان جنسی) می‌تواند پس از یک سال درخواست تفریق نماید؟ امام سرخسی در پاسخ به این شبهه می‌فرماید: «والتقدير بالمدة فی العنین لدفع ظلم التعلیق، ولا یتحقق معنی الظلم من المفقود فقلنا: إنها امرأة ابتليت فلتصبر، ولو شاء الله تعالى لا بتلاها بأشد من هذا» (السرخسی، ۱۴۱۴ هـ: ج ۱۱، ص ۳۵). یعنی: «تعیین مدت در مورد شخص عنین، برای دفع ظلم معلق‌گذاشتن زن است؛ اما در مورد زوجه مفقود، معنای ظلم تحقق نمی‌یابد؛ از این رو می‌گوییم: این زن به بلایی گرفتار شده است که باید صبر کند؛ و اگر خداوند می‌خواست، او را به بلایی سخت‌تر از این مبتلا می‌ساخت».

از این کلام امام سرخسی (رحمه الله) به خوبی دانسته می‌شود که زوجۀ مفقود باید صبر نماید؛ زیرا این مسئله یک مصیبت و ابتلای الهی است که نصیب وی گردیده، نه ظلمی از سوی شوهر یا نظام شرعی.

۸. احکام متعلق به میراث مفقود

در نظام ارث شریعت اسلامی، یکی از شرایط اساسی تحقق توارث، حیات وارث در زمان فوت مورث است. اما در مورد مفقود که مرگ و زندگی‌اش در ابهام است، قاعدۀ اصولی «استصحاب الحال» - که عبارت است از ابقاء بر یقین سابق تا زمانی که خلاف آن ثابت شود - گرچه می‌تواند به عنوان دلیل برای عدم تقسیم اموال مفقود مورد استناد قرار گیرد؛ اما هرگز نمی‌تواند اثبات‌کنندۀ ثبوت ارث برای او از بستگان متوفایش باشد. از این رو، اگر یکی از ورثۀ مفقود در زمان غیبت او فوت نماید، مفقود از وی ارث نخواهد برد و سهم وی تا زمان روشن شدن وضعیتش معلق و محفوظ می‌ماند (السرخسی، ۱۴۱۴ هـ: ج ۳۰، ص ۵۴).

امام سرخسی (رحمه الله) در کتاب المبسوط در این باره می‌فرماید: «مفقود در میان حیات و مرگ متردد است؛ همانند جنینی که در رحم مادر قرار دارد و پدرش از دنیا رفته باشد - در این صورت حق جنین تا زمان تولد و روشن شدن زنده یا مرده بودنش معلق می‌ماند. مفقود نیز در مورد اموال شخصی‌اش، زنده محسوب می‌شود؛ زیرا حیات وی به صورت یقینی مطرح است؛ در حالی که مرگ او ظنی و محتمل است. اما در مورد ارث بردن از دیگران، وضعیت او همچون جنین است: تا زمانی که حالش معلوم نشود، سهم او متوقف می‌گردد و از ارث محروم است. اگر بعداً ثابت شود که زنده بوده، سهم موقوفه را دریافت می‌کند؛ و اگر ثابت شود که فوت نموده، سهم او به سایر ورثه تقسیم می‌شود. این نظر جمهور فقهای حنفی است. اما پس از آنکه قاضی حکم به فوت مفقود صادر نماید، اموال وی میان ورثه‌اش تقسیم می‌گردد. البته ورثه‌ای که پیش از صدور حکم قاضی به فوت مفقود، از دنیا رفته باشند، از ارث وی محروم خواهند بود؛ زیرا بقای وارث تا زمان فوت مورث، از شرایط تحقق ارث است و این شرط در مورد آنان منتفی می‌باشد» (السرخسی، ۱۴۱۴ هـ: ج ۳۰، ص ۵۴).

۹. پیداشدن مفقود پس از صدور حکم فوت

در خصوص اینکه اگر مفقود پس از صدور حکم فوت از سوی قاضی، زنده پیدا شود، فقهای احناف چنین نظر داده‌اند: «هرگاه شوهر مفقود پس از صدور حکم فوت، پیدا گردد، زوجه وی کماکان در قید عقد نکاح او باقی می‌ماند؛ حتی اگر در دوران غیبت، با شخص دیگری ازدواج کرده باشد و حتی اگر شوهر ثانی با وی دخول نیز نموده باشد، باز هم این زن متعلق به شوهر اول خواهد بود. با این حال، شوهر اول نمی‌تواند تا زمانی که عده زن از شوهر ثانی به پایان نرسیده، با وی نزدیکی نماید؛ زیرا او در عده غیر قرار دارد و همچون زنی است که به شبهه با وی نزدیکی شده باشد (السرخسی، ۱۴۱۴ هـ. ج ۱۱، ص ۳۷).

فقهای حنفی همچنین قول کسانی را که به تخییر شوهر (میان ازدواج مجدد یا گرفتن مهر) قائل بودند، رد نموده و تصریح کرده‌اند که این رأی، نظر حضرت عمر رضی الله عنه بوده است؛ اما ثابت گردیده که حضرت عمر رضی الله عنه از این قول خود رجوع نموده و به قول حضرت علی رضی الله عنه تأیید کرده است (الحدادی، ۱۳۲۲ هـ. ج ۱، ص ۳۶۰).

حضرت علی رضی الله عنه در این باره فرموده است: «ترد إلى زوجها الأول و يفرق بينها و بين الآخر و لها المهر بما استحل من فرجها، ولا يقربها الأول حتى تنقضي عدتها من الآخر» (السرخسی، ۱۴۱۴ هـ. ج ۱۱، ص ۳۷). یعنی: «در صورت پیداشدن مفقود، زن وی - هرچند با شوهر ثانی ازدواج کرده باشد - به شوهر اول بازگردانده می‌شود و میان او و شوهر ثانی جدایی افکنده می‌شود؛ و زن در برابر استفاده از فرج خود، مستحق مهرالمثل می‌گردد و شوهر اول نیز نمی‌تواند با وی نزدیکی کند تا اینکه عده وی از شوهر دوم به پایان رسد».

سادتنا الحنفیه (رحمهم الله) می‌فرمایند: «هنگامی که معلوم گردد شوهر دوم با زوجه‌ای ازدواج کرده است که متعلق به غیر بوده، چنین زنی از جمله محلات نیست؛ بلکه از محرمات به‌شمار می‌آید؛ چنانکه خداوند متعال جله می‌فرماید: (وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ) (النساء: ۲۴).

در فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) در این خصوص مطلب مستقلی ذکر نشده است؛ از این رو، فهمیده می‌شود که ایشان این مسئله را به فقه حنفی محول نموده‌اند. نظر فقهای حنفی نیز بر این دلالت دارد که هرگاه مفقود پیدا گردد، زوجه‌اش در نکاح وی باقی می‌ماند، هرچند که در غیاب او با شخص دیگری ازدواج کرده باشد.

۱۰. مناقشه

تحقیق حاضر بیشتر بر بررسی احکام مفقود از منظر فقه حنفی و فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) متمرکز شده است؛ در حالی که کتب و رسالات دیگری که در پیشینه تحقیق بدان‌ها اشاره گردید، عمدتاً به احکام مفقود در شریعت اسلامی به صورت عام یا در فقه اسلامی پرداخته‌اند و از این جهت با تحقیق ما تفاوت اساسی دارند. به عنوان نمونه، در تحقیقات پیشین، بیشتر بر احکام مفقود در مذاهب چهارگانه تأکید شده و گاه تفکیک و ترجیح میان آراء فقها صورت گرفته است که این روش از منظر علمی چندان منصفانه به نظر نمی‌رسد؛ زیرا ترجیح یک مذهب بر مذهب دیگر، بدون توجه به بافت فکری و اصولی هر مذهب، می‌تواند به نتایجی نادرست منجر شود. همچنین این تحقیقات به گونه‌ای عام نوشته شده‌اند که آراء همه فقهای مذاهب را در بر می‌گیرند، اما همین جامعیت، گاه به ابهام و دشواری در استفاده برای پیروان یک مذهب خاص منجر می‌شود. مشکل اصلی که در این رویکرد احساس می‌شود این است که اگر کسی بخواهد حکم فقهی مفقود را صرفاً بر اساس مذهب خود بداند، نمی‌تواند به راحتی از آن کتب بهره گیرد؛ زیرا این آثار به سبک عام نگاشته شده‌اند و گاه حتی یک مذهب بر مذهب دیگر ترجیح داده شده است؛ در حالی که ضرورت دارد احکام مفقود از دیدگاه فقهای هر مذهب به طور مستقل و جداگانه تدوین گردد تا اهل هر مذهب بتوانند بدون هرگونه ابهام به کتاب یا مقاله مربوط به مذهب خود مراجعه نمایند.

اولویت و امتیاز تحقیق حاضر در همین نکته نهفته است که به طور تخصصی به بررسی قول راجح فقهای حنفی پرداخته و هم‌زمان آن را با فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) مقایسه و تطبیق نموده است؛ امری که در تحقیقات پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۱۱. نتیجه گیری

بر اساس یافته‌های پیش گفته، به نتایج ذیل دست می‌یابیم: مفقود به شخصی اطلاق می‌شود که از خانه و دیار خود غایب شده و با وجود جستجو، اطلاعی از حیات یا وفات وی حاصل نمی‌گردد، هرچند مدت غیبت طولانی شود؛ و در مورد مدت زمان صدور حکم وفات از سوی قاضی، قول اکثر فقهای حنفی بر آن است که باید چنان مدتی از غیبت مفقود بگذرد که علم قاضی یا ظن غالب وی بر وفات وی تعلق گیرد، هرچند بیشتر فقها سن هفتاد سالگی را به عنوان معیار ذکر کرده‌اند و امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) در فرامین خود بر معیار ظن غالب قاضی تأکید نموده‌اند.

همچنین در مورد اموال مفقود، تمامی فقهای حنفی هم‌رأی هستند که تا زمانی که حکم وفات مفقود صادر نشود، اموال وی قابل تقسیم نمی‌باشد، اما ورثه‌ای که نفقه آنان بر عهده مفقود بوده می‌توانند از اموال او به اندازه نفقه استفاده کنند و مفقود به اتفاق فقها نمی‌تواند از ورثه خود ارث ببرد و سهم وی محفوظ می‌ماند تا زمانی که مرگ یا زندگی او روشن گردد؛ و اما زوجه مفقود تا زمان صدور حکم وفات از سوی قاضی در قید نکاح وی باقی می‌ماند و پس از صدور حکم می‌تواند عده وفات (چهار ماه و ده روز) را سپری کرده و سپس اقدام به ازدواج مجدد نماید که فرمان شماره ۴۳ امیرالمؤمنین نیز صراحتاً مؤید همین نظر است؛ و از اقوال همه فقهای حنفی مستفاد می‌شود که زوجه مفقود تا زمانی که وفات مفقود اعلان نشده، حق درخواست تفریق ندارد، چه اینکه در این وضعیت ظلمی بر وی واقع نشده، بلکه مصیبتی عارض گردیده که باید بدان صبر پیشه کند؛ و در فرضی که مفقود پس از ازدواج مجدد همسرش پیدا شود، فقهای مذهب حنفی معتقدند که زن، چه شوهر دوم اختیار کرده باشد و چه دخول صورت گرفته باشد یا نه، در همه حالات همچنان زوجه زوج اول محسوب می‌شود.

۱۲. پیشنهادات

در پایان این تحقیق، به عنوان محقق، پیشنهادات ذیل برای محققان دیگر ارائه می‌گردد:

۱. گسترش تحقیقات علمی در مذاهب دیگر: این تحقیق صرفاً به بررسی مختصر موضوع مفقود و احکام مرتبط با آن در مذهب حنفی و فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) پرداخته است. از محققان دیگر انتظار می‌رود که این موضوع را از دیدگاه سایر مذاهب

اسلامی به طور مستقل و جداگانه مورد تحقیق مذاقه قرار دهند تا زمینه برای مقارنه و تطبیق آرای فقهی فراهم آید.

۲. تبیین و نشر مسائل پیچیده در جامعه: همواره تأکید می‌گردد که محققان و علماء، موضوعات مغلق و پیچیده‌ای را که در بستر جامعه اسلامی به‌ویژه جامعه اسلامی پدیدار می‌شود، با زبانی روشن و قابل فهم برای عموم مردم تبیین نمایند و آن را در جامعه اسلامی منتشر و گسترش دهند تا مردم در چارچوب احکام شرعی، تکلیف خود را در مسائل شرعی بدانند و از سرگردانی و جهالت رهایی یابند.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن مازة، أبو المعالي برهان الدين محمود بن أحمد. (۱۴۲۴ هـ). *المحيط البرهاني في الفقه النعماني فقه الإمام أبي حنيفة رضي الله عنه*. (المحقق: عبد الكريم سامي الجندی). الطبعة: الأولى، بيروت، الناشر: دار الكتب العلمية.
۲. البستي، محمد بن حبان أبو أحمد أبو حاتم التميمي. (۱۴۱۴ هـ). *صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان*. (تحقيق: شعيب الأرناؤوط). الطبعة الثانية، بيروت، الناشر: مؤسسة الرسالة.
۳. البيهقي، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي. (۱۳۴۴ هـ). *السنن الكبرى وفي ذيله الجواهر النقي*. الطبعة: الأولى - الناشر: مجلس دائرة المعارف النظامية الكاتبة في الهند ببلدة حيدر آباد.
۴. الحدادی، أبو بكر بن علي بن محمد. (۱۳۲۲ هـ). *الجوهرة النيرة*. الطبعة: الأولى، الناشر: المطبعة الخيرية.
۵. الدارقطني، علي بن عمر أبو الحسن. (۱۳۸۶ هـ). *سنن الدارقطني*. (تحقيق: السيد عبد الله هاشم يمانی المدنی) بيروت، الناشر: دار المعرفة.
۶. السرخسی، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة. (۱۴۱۴ هـ). *المبسوط*. بيروت، الناشر: دار المعرفة.
۷. السلمي، أبو محمد عز الدين عبدالعزيز بن عبدالسلام. (بی تا). *قواعد الأحكام في مصالح الأنام*. (تحقيق: محمود بن التلاميذ الشنقيطي). بيروت، الناشر: دار المعارف.

٨. الشيخ نظام و جماعة من علماء الهند (١٤١١ هـ). *الفتاوى الهندية فى مذهب الإمام الأعظم أبى حنيفة النعمان*. الناشر دار الفكر.
٩. العثيمين، محمد بن صالح (بى تا). *فتح ذى الجلال والإكرام بشرح بلوغ المرام*. (تحقيق وتعليق: صبحى بن محمد رمضان، أم إسراء بنت عرفة بيومي). الطبعة: الأولى، الناشر: المكتبة الإسلامية للنشر والتوزيع.
١٠. *مجموعه احكام هدايات و فرامين امير المؤمنين* ^(حفظه الله) تاريخ ١٤٤٦ هـ ق، رياست نشرات وزارت عدليه امارت اسلامي.
١١. المرغيناني، على بن أبى بكر بن عبد الجليل الفرغانى (بى تا). *الهداية فى شرح بداية المبتدى*. (المحقق: طلال يوسف). بيروت، الناشر: دار احياء التراث العربى.
١٢. الموصلى، عبد الله بن محمود بن مودود (١٣٥٦ هـ). *الاختيار لتعليل المختار*. القاهرة، الناشر: مطبعة الحلبي.
١٣. وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية. *الموسوعة الفقهية الكويتية*. www.islam.gov.kw.

المفقود و أحكامه في الفقه الحنفي و فرامین أمير المؤمنين (حفظه الله تعالى و رعاه)

المرشح لرتبة پوهنيار حفيظ الله حيدري^۱

الملخص

يسعى هذا البحث إلى الإجابة عن السؤال الجوهرى: ما هو مفهوم "المفقود" في الفقه الإسلامى، وكيف تم تبيين وتدوين أحكامه وآثاره الفقهية في المذهب الحنفى وكذلك في فرامین أمير المؤمنين (حفظه الله تعالى)؟ يُطلق مصطلح "المفقود" على الشخص الذي لا يُعلم موته ولا حياته، وتُعد معرفة أحكام تركته بعد صدور حكم الوفاة، وكذلك استمرار زوجية زوجته، والمدة التي يحددها القاضي لإصدار حكم الوفاة، من الضروريات الفقهية والقضائية. يعتمد هذا البحث على المصادر الفقهية المعتمدة، مستخدماً المنهج الوصفى التحليلي، حيث يبدأ ببيان ماهية المفقود، ثم يستخلص الأحكام والدقائق الفقهية المتعلقة به من النصوص الأصلية ويحلّلها. وتُظهر نتائج البحث أن المسائل المطروحة، لا سيما في مجال أموال المفقود، وحالة زوجته، والمدة الزمنية لإصدار حكم الوفاة، تحظى بأهمية خاصة لعامة الناس، ولا سيما لقضاة المحاكم الإسلامية، ويمكن أن تكون أساساً لإصدار الأحكام الشرعية والقضائية. وبما أن المجتمع الإسلامى في أفغانستان، بسبب سنوات الحرب وانعدام الأمن، شهد فقدان عدد كبير من الأشخاص، وتعيش أسرهم في حيرة وترقب، فإن التبيين الدقيق للأحكام الشرعية في هذا المجال يُعد ضرورة لا يمكن إنكارها.

الكلمات المفتاحية: الزوجة، المفقود، الفقه الحنفى، فرامین أمير المؤمنين (حفظه الله تعالى)، المال والميراث.

۱. عضو الهيئة العلمية بقسم الفقه و القانون، كلية الشريعة، جامعة غور، أفغانستان: